

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام  
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی  
و یومیه (جبل المتین)  
(عنوان مراسلات)  
طهران خیابان لاله زار  
نائب مدیر میرزا سید حسن کاشانی  
دبیر ادارہ آقا شیخ یحیی کاشانی  
غیر از روزهای جمعه همه روزه  
طبع و توزیع میشود

یومیه

# جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۳۰ قران  
سایر بلاد داخله ۳۵ قران  
روسیه و قفقاز ۱۰ منات  
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک  
(قیمت يك نسخه)  
در طهران صد دینار  
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان مطری

دو قران است

روزنامه یومیه مآی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی - الات عام المنفعه  
بامضا قبول و درانتشارش اداره آزاد است

یک شنبه ۲۶ رمضان المبارک ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱۷ ابانماه جلالی ۸۲۹ و ۱۲۵ اکتبر ۱۹۰۷ میلادی

(تملق تا چند؟)

- شادباد روح بر فتوح مرحوم ابونصر شیانی که درسی سال  
قبل این ابیات آبرار را در پریشانی احوال و حیران آمال  
و ظهور فساد امروزه سروده و بدان شکوفه ای معطر  
جهانرا پر از عطر گل وریحان ساخته:  
(ملك ایران چه زلف معشوقان)  
(سخت شوریده و پریشان است)  
(خاطر شاه زین پریشانی)  
(نیک افسرده است و پرمغان است)  
(کارهائیکه کرده است از پیش)  
(این زمان از همه پیشمان است)  
(میندانشته بود کایرانش)  
(دیرگاهی بود که ویران است)  
(این زمان داند او که از هر سوی)  
(فتنها دست در گریبان است)  
(سیستان از بلوچ پر آشوب)  
(وز عرب فتنه در لرستان است)  
(مردم از خاک فارس کشته نفور)  
(رویشان سوی بحر عمان است)  
(ور به شرق نظر کند بیند)  
(چه خللها که در خراسان است)  
(ور رود خاطرش بمغرب ملک)  
(دلش از کار کرد بریان است)  
(ور بمشور گذر کند بیند)  
(که رعیت ز جامه عریان است)  
(ور بدر بار خویشتن نگرد)

- (حضرتی سخت سست ارکان است)  
(ور بدیوان عدل خود گذرد)  
(مسکن غول و جای دیوان است)  
(پادشاهی است کارگی مشکل)  
(نه چنین سهل و سست و آسان است)  
(مملکت چون تن است و شاه چه جان)  
(عقل آرایش تن و جان است)  
(و آن تن و جان که عقل او را نیست)  
(خانه سخت نا بسامان است)  
(ابو نصر شیانی)  
دیگر چه جای مدامنه و تملق است؟ مملکت  
می رود و دست اجانب بسویش دراز و پای فتنه در هر  
سمتش باز، نه وقت دروغ گفتن و بسختان یاوه دل  
خوش کردن است، مثلثی در طرف جنوب رسم شده  
و ساحر چیره دست دویاتی در داخله انخط طلسمی  
سخت محکم بنیاد نموده، از باختر بطرف خاور خطی  
ممتد رسم کشته و هیرینی قصر شیرین را از مذاق  
ملك و ملت بدر کرده، آیت حرمان بیانک بلندخوانده  
شده و دب اکبر بری با بالن بحری ساز موافقت نواخته  
ناریخ کرده و مراکش را در برابر چشمان حیران و  
خیره ما عبور داده و از بدبختیهای بی نهایت که آتیه ما  
را احاطه کرده که اندکی بمائشان میدهند، سذگ هم و  
اندوه شیشه دلها را شکسته و خاطرهای مصیبت زد را  
خسته و ناتوان ساخته، ابیات ابونصر بر ممجر نمائی  
انحکیم دانا شهادت صریح داده، کدام وجدان دیگر  
مرا اذن میدهد که بفتوای یکمشت بیخردان آورده  
پهزاران هزار اغرائش لب فروز بندم، و مصالح ملک و  
ملت را بیولسوسی این و آن بر کنار نهم چگونگی کواهی

دهد که با چشمان پر آب تماشای کرکان خون آشام را نموده که با دندان بیرحمی نازنین بدن یوسف عزیز وطن را قطعه قطعه نمایند و من با دست گشوده خاطر آورده دارم دستی بر سر قرتم و ناله از دل نکشم زبان استمداد باز نکنم و ستوه دلان را بر دور خویش کرد تعامیم ، فریبان تا بدامن چاک ترنم و فریاد بر نکشم :

( سنك عمت شیشه دلها شكست )

( آینه صبر دل ما شكست )

ارباب هوش و ذکاوت را ملاحظه این پیش آمد های ناگوار چنان یلس و ناامیدی میدهد که بگلی از اصلاح خود را عاجز دانسته ملک را رفته و کار را گذشته تصور میکنند زیرا که نه چندان مفاسد و قبایح در صفحه این ملک ظاهر است که بتوان بدین سهولت و درمندی اندک رفع و دفع کرد سلطنتی که قرنهای عدیده مخصوص در این پنجاه سال اخیر بحدی به سهو ارکان استقلالش با تیشه جور و جهل متزلزل و شیرازه امور کشوری و لشکریش را متلاشی ساخته اند و اکنون نیز با مشاهده این ناتوانی بدن و ضعف حل و انقلاب امور و هجوم دشمن و اتفاق همسایگان باز دست از سر این خاک خراب بر نمیدارند و یکمشت ققراء و مساکین را بحال خود نمیگذارند هر روز در گوشه فتنه بر پا کرده و امنیت عمومی را سلب میدارند و هر شب بخانه بیفروانی ریخته اساس راحت و آسایش را مختل مینمایند در چنین ملکی چگونه توان امیدوار بر رفع عوائل و دفع نوازل بود —

بدبختانه روز بروز اخبار ناگوار از اطراف بلاد میرسد و خاطر غم زدگان را از یاده مشوش میدارد و افکار ارباب حل و عقد را پریشان میسازد هنوز واقعه کرمان و آن قتل و فساد نابهنگام که از اثر فتنه جوئی یکفر خود پسند و بی تجربه کی یکجوان کم سال نا آزموده از خاطر محو نگردیده و امنیت در شهر و نواحی حاصل نشده که تلگرافی خبر ملالت اثر فارس و حرکات چهار پنج نفر مفسد شرارت پیشه طبع اندیش را مخایره کرد و آتش در جان وطن خواهان قرقی دوست افکند — کوس رسوائی ما از سفارتخانههای خارجه زده شد و پرده ناموس ملت آن ساعت پاره گردید که از سفارت انگلیس رسماً بوزارت خارجه ما نوشتند که تبه و رعایای ایران چرا هر ساعت مزاحم و مصدع خاطر ما میشوند و بسفارتخانهها و قونسل خانها پناهنده میگردند ؟ متاسفانه قنصل و وزراء ما در خارجه عوض آنکه حقوق دیگران را نیز حفظ کرده و قنصل خانه را مانع دوست و دشمن قرار بدهند چماق اجحاف در دست

گرفته و بر جان رعایای ایرانی افتاده اند چنانکه قونسل مصر بموجب خبر تلگرافی که در نمره گذشته درج گردید هیچ از مراحل پیشرفتی و بی انصافی نسبت بتبه ایران فرو نثار نکرده و چند تن از محترمین را محبوس ساخته و ارفع الدوله یا پنج من القاب و نشان مثل گرزک بر پوست ایرانیان مقیم خاک عثمانی افتاده و در نظر حکومت ترک آنها را واجب القتل و لازم الجس و التلی قلمداد اما در عوض پانزدهم شهر شعبان گذشته این پولهای خورده را که به هزار ششصد و عقاب از ققراء گرفته صرف مهمانی و پذیرائی حضرت والاخو مصر میفرمایند و نشان شیر و خورشید بتوسط آدم مخصوص برای زن شیخ علی یوسف مدیر روز نامه (المؤید) میفرستد ( از وزارت خارجه رسماً پرسش میکنیم آیا این نشان از طرفی دولت علیه داده شده یا از مجموعلات حضرت پرنس معظم له است ؟

اگر شخصی قدری باریک شود میدانند اینجوری سفارت چقدر معنی دارد و آب بر میدرد و بمباحثی میکند که این روش که شما پیشنهاد خود ساخته اید روش حکمرانی و سلطنت نیست با این دستورها سی پوسیده و پتیک های کهنه نمیتوان مملکت و رعیت را نگاهداری کرد ، این عقوفتی که از ترتیب زندگانی و حکمرانی شما باطراف منتشر میشود مذاق همه همسایگان را شمه ز میسازد و دماغ همگان را فاسد میکند امر این تفتن را از خانه خود دور نکنید ما بحکم همسایگی و شرکت در هوای محیط آن مجبور با اصلاح هستیم ، بماینگویند با ایرکات و بطالت در برابر یک همسایه حیل گر قویتر نمیتوان همیشه نمود و با این لباس مندرس در مجلس بال حاضر نمیتوان شد یک ایالت بزرگی مثل آذربایجان را که کستان ایران است بمجرد یکخیال مرهم بنی که ( تراغ عشایری است نه دولتی ) نشاید حفظ کرد ، راستی آن نام نیک که در سال گذشته عالم را بواهمه افکند و ملت ما را جزء با شر فترین ملل عالم ساخت چه شد که یک بد نامی بسیار و فیح زهتی که خوشترین الفاظش وحشی و اصرار است تعبیر شد ؟ بجهت آنکه در طول این مدت ما از عهدت انتظام داخله خود بر نیامدیم و ایالات و ولایات را در یک حالت فطرتی انداختیم که بهاصلا کم منجر بجرئت اصرار گردید ، دیگر چه محملی میتوان برای حرکت مسجد سپه سالار قرار داد که در شب بیست و یکم رمضان یکدسته بیسرو پا در مسجدیکه چندین هزار مرد و زن را در خود جا داده و صدها از محترمین را منزل داده است ریخته چند هزار تون فر آنها را قیمتی و قلبچه و عبا و کفش

( شنبه ۱۸ رمضان )

مذاکره در باب دادن حقوق هد بعد از مذاکرات  
رای گرفته شد که بهمان نحو که کمیسیون تصویب کرده  
باهل نظام و مأمورین خارجه تومانی تومان و  
بسیارین تومانی پنجهزار داده شود و در سایر جزئیات  
بتصویب وزارت مالیه باشد — و جناب رئیس اظهار  
داشتند که شاهزاده ظل السلطان صد هزار تومان همراهی  
سکرده اند و باید کمال امتنان را داشته باشیم ولی  
شاهزاده نایب السلطنه هنوز اقامی نکرده اند هیئت  
کابینه جدید وارد شدند جناب ناصر الملک که سمت  
رئیس الوزرائی و وزارت مالیه انتخاب شده بودند  
وزرا را معرفی نمودند

آصف الدوله وزیر داخله — مشیر الدوله  
وزیر خارجه — صنیع الدوله وزیر علوم و اوقاف و  
فویدهامه — مخیر السلطنه وزیر عدلیه — مؤمن الملک  
وزیر تجارت — مستوفی الممالک وزیر جنگ —  
جناب رئیس اظهار حسن تقاضی و قبول از این هیئت  
نمودند و عموماً را تبریک گفتند رئیس الوزرا همراهی  
کابینه را با مجلس اظهار نموده و اصلاح امور را با اتحاد  
با مجلس دانستند گفته شد عمده چیزیکه لازم است  
اجر ای قانون اساسی است و از جمله آن اینست که  
احکام شفاهی و تنبیه ما دایمیکه بتصویب وزیر مسئول  
نباشد نباید مجری شود و همچنین وزرا باید ترتیب  
وزارت خانهای خودشانرا بدهند و اشخاص علم را  
داخل کار کنند که بعد ها این نحو احط الرجال نشود  
بعضی از وکلا اظهار داشتند که جواب مراسله  
سفارت انگلیس در باب معاهده زود تر باید داده شود  
که فصول آن مقبول مجلس نیست و جواب را بمجلس  
بفرستند و زیر امور خارجه قبل نمودند

جناب محتشم السلطنه بمجلس آمده و اظهار داشت که  
پاره مذاکرات بنده اسباب سوء ظن نشود چون خودم  
را مسئول دانستم قبول این خدمت را مشروط بشرایط  
نمودم و جز خدمت هیچ قصدی ندارم و حال که  
میخواهید من میروم متو کلاً علی الله و منقطعاً منکم  
و هر طور امر شود رفتار خواهم کرد گفته شد در  
صورت لزوم قشون و پول هم حاضر خواهد شد  
گفتگو از اغتشاش شیراز و استرآباد و کرمانشاهان  
و جلوگیری از آن بمیان آمد و قرار شد شب و زرا  
بمجلس آمده در انتظام و لایات مذاکره شود

( تلگرافی مخصوص اداره از عراق بطهران )

حضور مبارک جناب شریعتمدار مدیر جریده مقدسه  
حبل المتین هامت برکاته جماعتی با یکدیگر مسأله و مسأله

و غیره بشارج برند ، املا سخنی از مجازات در بین نباشد  
زنجان و خمسه را مزد هرزگی ها و شرارتهای  
یک خان و یک آخوند ساخته طهرانرا شبیه تاراجگاه  
چند دسته الواط قرار داده قم را تیول متولی باشی  
سابق نموده کاغان را اجر بیحسابهای فلان کردن  
کلفت رشوه خوار کرده استرآباد را که از منظمترین  
نقاط ایران است جولانگاه جمعی سوار تر گمن ساخته  
تا پشت شهر و نصف خراسان را غارتگاه آنان گردانیده  
زمام اختیار هر اداره و وزارتخانه را در دست ارزانترین  
اجزاء و مستخدمین داده ؟ معیار شرع و عرف را  
باچند تن از خدا و خاق بیخبر واگذارده ؟ مجازات  
را فراموش و بر طاق لسیان نهاده همه حواسرا صرفی  
فلان روزنامه نمود ، استبدادرا در لباس مشروطه و شقاوت  
را بشکل سعادت ارائه کرده حکام رای سبب عزل و نصب نموده  
اطمینان را از کوچک و بزرگ سلب نموده ؟ اجانب را  
بر تسخیر ملک تحریمی نموده حالت فوضوی و هرج  
و مرج در ملک شیوع داده ! بر ابناء و کشتار  
ضعیقان اصرار داشته و . . . . . باز چه توقع  
سلامت و تمنای عافیت است ؟ خیر کار تمام و دنیا شما  
را بگم است دانایان از غصه بمیرند و نادانان جایشان  
بگیرند خائنان شادی کنند و وطن خواهان خون  
دل خورده از غم خرابی وطن سل و دق بگیرند و  
بمیرند ؟ و با تامل آیت هیدنی را تکرار و تذکار  
کنند

( ملک پریشان و روزگار پریشان )

( شهر پریشان و شهریار پریشان )

خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری

( پنجشنبه ۱۶ رمضان )

رای کمیسیون مالیه در باب دادن حقوق قرائت شد  
که بمأمورین خارجه و نظامی بالتمام داده شود و  
بسیارین تومانی پنجهزار و مذاکره از بانک و اصلاح  
مالیه بیان آمد که یولیکه بعضی اشخاص داده اند و  
مقداری از مالیه امساله و وجوهی که از سایر ولایات  
میرسد برای بانک قدر ممتنی به خواهد شد — گفته شد  
که بانک بابتیولها تشکیل نمی شود علاوه تا بتواند  
حقوق را بر هازد طولی دارد و صاحبان حقوق  
تاب صبر ندارند

بالاخره قرار بر این شد که حقوق را بدو قسط  
بتمام عالی السویه بدهند در قسط اول که بهمه داده  
میشود میزان بدست میاید در قسط دوم اگر هست  
بهمه میدهند و الا از هم کسر میشود

هدیه برای استیصال و اضمحلال این يك مشت ذراری طاهره و بردن ملك و مال دعا گوینان من جمله نایب رضای بیگاریگی و اولاد مرحوم نظام لشکر یعنی حاج مصصام الملك و اخوان اولاد حاجی رئیس التجار که مباشر داعیان ده هزار تومان بده کار است با چند نفر دیگر مهربان بنگرافخانه فرستاده اند و تظلم مینمایند که ما طلب کاریم و ثنیا بعلی خان ابراهیم آبادی و رحمت الله خان فراهانی اطلاع داده اند که موقع تاراج است آنها هم آنچه سابق خرمن دهات مارا کرده بودند اکتفا نکرده دست نهب اموال و عایای دهات و انبار موجودی داعیان گذاشته از طرفی سوار و جمیعت بمعاونت میرزا حسین خان مقبل دیوان فرستاده قاسم آقا گماشته بیگلر بیگی مباشر داعیان را بضرب کلوله مقتول و اغنام و احشام و انبار میانین ملکی داعیان که در کمره است منسوب ساخته اند این توطیه و تماهد در روز نوزدهم شهر صیام واقع اموال ماسادات منسوب و گماشته ما مقتول هر چه هم تظلم میکنیم احدی از دولت و ملت بعرض مانعیرسد خوشدلی اهالی ایران بتایس مجلس مقدس شورای ملی و تشکیل انجمن های عیدیه بود که القاء شبهاست بکلی متروک حالا آنچه ملاحظه میشود هر چه در مقام قتل و نهب ماسادات بر می آیند و و کلمه تلکرافی معمول مطلب متقلب میشود نمیدانیم نشر عدالت چرا در عراق نیست خوبست رسیدگی شود اگر واقعا متصدی و ظالم هستیم بطوری صدمه بزنند که عبرت ناظرین شود و اگر باشکال مختمه مظلوم هستیم قراری دهند که عاجلتا این يك مشت سادات صغیرا و کبیرا آسوده باشیم آخر ما اهل عام و سادات نباشیم اینای جنس که هستیم خدا میداند این عریضه کنجایش ظلم معاندین را ندارد یا عدل و یا حکیم اللهم احکم بیننا و بین القوم الظالمین

( خادم وطن اسمعیل الحدینی )

### تلکرافات خارجه

از لندن مکتومی از کنتل یات که سابقاً رئیس سرحدی بلوچستان بوده بروز نامه طیمس رسیده و عینا درج شده نکارتند مزبور با کمال خورده بینی و نکته سنجی از عهد نامه بین دولتین روس و انگلیس عیب جوئی مینماید و اظهار عقیدت میکند که چه دولت انگلیس و چه حکومت هندوستان از حیث تجارت و حرقت و صناعت در این عهد نامه بسی معیونند دلیلی که در این باب افامه نموده این است که از و لوسکی وزیر خارجه روس اداره و هیئت از اشخاص خبیر و بصیر در احوال آسیا ناصح و سلاح اندیشی داشته و در حین مذاکرات همه

قسم کسب اطلاعات از آنها مبنموده بالمکس وزیر خارجه انگلیس و نیگاون سفیر کبیر انگلیس که از این قبیل معاونت و کسب اطلاعات هیچ نداشته اند زیرا که بنا بر ترتیب معمول در انگلیس ارباب بصیرت و خبرتی که در سلك رفعة پلنیگیه مخذاب آنها بوده اند توانسته و نخواستند اند که از آنها استمهانت بجویند که در مسائل مشرق بر اطلاعا نشان چیزی بیفزاید نگارنده مخصوصا اشاره از مکتوب لرد کار زون که بتاریخ ۲۹ اوت بوده نمود. و جمله از آن مکتوبرا مجدداً تذکار مینماید که اگر وزارت خارجه انگلیس کسب اطلاعات مفیده از اشخاصی که در این امور تجر بهای محلیه حاصل نموده اند کرده بود هر آینه فواید و منافع کثیره بجهة عامه اهالی انگلیس مترتب بود

سر نیگاون سفیر کبیر انگلیس در بطرز بورغ در ازاء خدمات شایان که در عهد نامه بین دولتین کرده است بافتخار نشان صلیب بزرگ از درجه یات که از نشانهای ممتاز دولت انگلیس است مفتخر آمده تلکراف و اصله از طهران حالی است که علاء السلطنه بجای سمد الدوله مجدداً بوزارت خارجه منصوب مکر دید و اسپرنگ رایس و زیر مختار انگلیس در طهران بوزم استعلاج از آنجا حرکت نموده و دیگر امیر بهادر بسمت ریاست کمیسیون از طرف دولت ایران در خصوص قطع منازعات سرحدی مامور مگردیده

( اعلان )

( علم عکاسی جدید )

کتابی است مفصل که با کمال دقت با قرائت خیلی سهل تمام مطالب جدید و نو ظهور عکاسی را شرح میدهد تالیف کار نیک خان دالگیجیان دوا ساز و بروی تلکرافخانه مبارکه قیمت جلدی پنجهزار دینار است اگر از ولایات هم خواسته شود بالاجرت پست باید ارسال شود

( اعلان )

کتاب ( مارکو فرانسه و فارسی ) ( شمس طالع ) ( و نخست نامه ) از ترجمه و تالیفات منظره ووس خان ملیک یانس در کتابخانه تربیت در مطبعه فاروس و در کتابخانههای معتبر دار الخلاله برای فروش موجود است

( اعلان )

یک نفر از منی معلم قدیمی که در زبان فرانسه ماهر و در ترتیب تعلیم آن استاد است از برای تدریس و تعلیم فرانسه حاضر است هر کس طالب باشد بمطبعه فاروس رجوع نماید

( حسن الحدینی الکاشانی )